کنسرت‌های خارج از کشور با صدور انقلاب اسلامی چه نسبتی دارد؟!

اسماء معتمدی

موسیقی از جمله ابزارهای تأثیرگذاری است که به‌وسیله آن می‌توان بر افکار عمومی اثرگذاشت؛ فرایندی که شاید بتوان آن را یکی از روش‌های مؤثر آزادی‌خواهان و مبارزان در سرتاسر دنیا دانست. برای همین بسیاری از عوامل برگزاری کنسرت‌ها در سطح جهانی تنها به‌صرف برگزاری و سودآوری مالی در این عرصه نمی‌اندیشند، هرچند منافع مالی هم مهم است اما بیشتر از آن، اهدافی که در نظر دارند را از این طریق دنبال می‌کنند. انتقال پیام به کمک موسیقی گاه آنقدر مهم تلقی می‌شود که حساسیت‌های شدیدی را برمی‌انگیزد. یکی از مهم‌ترین مصادیق آن را می‌توان به ماجرایی مانند ویکتور خارا، آزادی‌خواه شیلیایی که با ابزار موسیقی علیه دیکتاتوری حاکم شیلی مبارزه می‌کرد و دلیل و کیفیت کشته شدن او توسط کودتاچیان شیلی دانست.

در کشور ما نیز بعد از پیروزی انقلاب فضایی ایجاد شد تا هنرمندان متعهد بتوانند کنسرت‌هایی برپا کنند و در سطح ملی و بین‌المللی از طریق نوای موسیقی صدای انقلاب اسلامی و ارزش‌های آن را به گوش جهانیان برسانند تا بنا به سفارش امام راحل فرهنگ انقلاب اسلامی صادر شود، چراکه امروزه بهترین ابزار برای انتقال مفاهیم فرهنگ اسلامی هنر است؛ شیوه‌ای که به شکل غیرمستقیم می‌تواند قلب‌ها و اذهانی که نسبت به ایران، اسلام و تشیع بدبین شده‌اند را نرم کند و به قولی زیبایی اسلام را به منصه ظهور بگذارد؛ بنابراین چگونگی برگزاری کنسرت‌ها، محتوای آنها، تبلیغات برای حضور مردم و... اهمیت زیادی دارد تا بتوانیم کنسرت‌های موسیقی مطلوبی داشته باشیم ولی متأسفانه اغلب از این مسائل غافل هستیم.

نماینده سامی یوسف در لندن می‌گوید: کنسرت‌های ایرانی که خارج از کشور برگزار می‌شود فقط محفلی برای ایرانی‌های مقیم خارج است و آنها شرکت می‌کنند. خارجی‌های کمی به این کنسرت‌ها می‌روند چون تبلیغات بد و ضعیفی دارند. این کنسرت‌ها در مراکز ایرانی و سوپرمارکت ایرانی‌ها تبلیغات می‌شود. درهمین انگلیس که ما هستیم خیلی‌ها نمی‌دانند چنین کنسرت‌هایی از سوی ایران هم هست. مدیریت برگزاری کنسرت‌ها در خارج از کشور ضعیف است زیرا نتوانسته‌اند فضای تبلیغات کنسرت‌های ایرانی را گسترده‌تر کنند و راهکاری برای حضور غیرایرانی‌ها در این کنسرت‌ها ندارند برای همین کنسرت‌های ایرانی‌ها محدود و کم اثر است.

آخوند چینی کارشناس و مبلغ دینی در چین هم می‌گوید: بیشتر فعالیت‌های فرهنگی از جمله کنسرت‌های خارج از کشور با هزینه‌های بالا برگزار می‌شود، ولی متأسفانه تأثیری در صدور فرهنگ و انقلاب اسلامی ندارد تنها به عنوان کنسرت‌های موسیقی هستند و بس. عملاً تلاشی برای تبلیغ اسلام و فرهنگ شیعی در قالب هنر صورت نمی‌گیرد درصورتی که به‌خوبی می‌توان با چنین ابزاری فرهنگ اسلامی را صادر کنیم. در اکسپو ۲۰۱۰ پکن، عمده فعالیت‌هایی که از سوی ایران انجام گرفت تنها برای معرفی موسیقی‌های محلی بود، به‌شکلی که حتی یک‌بار به‌عنوان گروه موسیقی من را برای تبلیغ فرستادند!

متأسفانه اغلب گروه‌های موسیقی که برای برگزاری کنسرت به خارج از کشور می‌روند برای خود و گروهشان تبلیغ می‌کنند و نگاه محدودی به این مسئله تأثیرگذار دارند. بیشتر هزینه‌های تبلیغی سازمان‌های فرهنگی و هنری صرف برگزاری کنسرت‌ها در کشورهای مختلف می‌گردد، بدون اینکه این افراد خود را سفیر انقلاب اسلامی و تشیع در جهان بدانند برای همین هم بیشتر این کنسرت‌ها برای ایرانی‌های خارج از کشور شناخته شده است و مردم دیگر جهان شناخت کمی از آنها دارند، بلکه تنها این هزینه‌های میلیاردی نقش نوستالوژیک و سنت‌گرایی برای ایرانیان خارج از کشور و دور از وطن را دارد یعنی ظرفیت‌هایی بکری که بدون مدیریت اصولی فرهنگی در این حوزه هرز می‌رود.

به‌غیر از ضعف زیاد مدیریت تبلیغات که کنسرت‌های ایرانی در خارج از کشور دارد و باید با چاره‌اندیشی منطقی برطرف شود، محتوای موسیقی نیز مهم است و نیاز به توجه بیشتری دارد تا کنسرت‌هایی که خارج از کشور برگزار می‌شود تنها نگاه نوستالوژیک و ملی نداشته باشند، بلکه با دیدی فراملی برای انتقال فرهنگ اسلام شیعی و بنا به فرمایش حضرت روح‌الله(ره) برای صدور فرهنگ انقلاب اسلامی کنسرت برپا کنند. چندی پیش کنسرتی در استرالیا برگزار شده بود که بنا به گفته یکی از مبلغان فعال و بین‌المللی در استرالیا، رقم هزینه شده برای اجرای این کنسرت، آن هم در اوج بحران اقتصادی کشور بسیار سنگین و بالا بود؛ این فعال دینی که خودش به تنهایی سال‌های اخیر بدون کمک سازمانی ایرانی، چندین مؤسسه بزرگ برای تبلیغ اسلام و تشیع در استرالیا بنا نهاده است گلایه‌مندانه نسبت به این هزینه‌های سنگین بی‌حساب و کتاب اعتراض داشت و می‌گفت: چرا کارهای فرهنگی در ایران فقط به موسیقی آن هم موسیقی در نگاه محدود ملی خلاصه شده است؟!

البته مسئولان فرهنگ و ارتباطات دولت قبل پاسخ می‌دادند می‌خواهیم بگوییم چیزی از دولت اصلاحات کم نداریم و حالا دولت یازدهم معلوم نیست در مورد تکلیف سنگین صدور انقلاب اسلامی چه برنامه‌ای دارد؟!

از قرار هر دولتی که برپا می‌شود اولویت کار خود را برای رقابت نسبت به دولت قبل خود می‌گذارد و از اصل مسئولیتی که به عهده دارد غافل می‌شود. در هر حال فراموش نکنیم که برگزاری کنسرت‌های ایران در خارج از مرزهای کشور باید به‌گونه‌ای باشد تا بتوانیم به‌عنوان کشوری که مدعی ام‌القرای جهان اسلام است، زیبایی اسلام و تشیع را به گوش مردم دنیا برساند و عطش آنها را برآورده کند. این رسالت مهمی است که به دوش اهالی هنر موسیقی کشورمان سنگینی می‌کند.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی:

هدف دولت ادامه دادن راه امام (ره) است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: همه عناصر دولت بر ارزش‌ها و آرمان‌های امام خمینی(ره) پافشاری می‌کنند و هدف این دولت این است که راه ایشان را همچنان ادامه بدهد.

به گزارش مهر، علی جنتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی صبح دوشنبه ۱۴ بهمن به همراه جمعی از معاونان، مدیران و کارکنان این وزارتخانه و همچنین تعدادی از اهالی فرهنگ، هنر و رسانه در حرم امام خمینی(ره) حضور یافت و با قرائت فاتحه و نثار گل به پیشگاه بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ادای احترام کرد. جنتی سپس در جمع خبرنگاران گفت: روزنامه‌نگاران، پیشکسوتان عرصه فرهنگ و هنرمندان دیروز در این بارگاه حضور پیدا کردند تا نسبت به مقام امام راحل که حق بزرگی بر گردن ملت ما دارد، ادای احترام کنند. وی افزود: ما دوران سیاه دیکتاتوری گذشته را درک کرده‌ایم و در شرایط خفقان، امام (ره) با فریاد خودش در مرحله اول نخبگان و روشنفکران و روحانیون را دور خود جمع کرد و سپس به تدریج در طول ۱۷ سال (از سال ۴۲ تا سال ۵۷) با جنایات رژیم گذشته به مبارزه پرداخت که این قیام با رهبری امام(ره) منجر به سرنگونی نظام سلطنتی و بنیان نهادن نظام جمهوری اسلامی ایران شد. وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تأکید کرد: امام(ره) برای ما استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را به ارمغان آورد که اینها جزو آرمان‌های بزرگ امام(ره) هستند و ما باید برای حفظ این ارزش‌ها تمام تلاش خودمان را بکنیم. جنتی اضافه کرد: استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی و بازگشت به هویت ملی ما مهم‌ترین مسائلی است که امروز در سایه رهبری، ملت ما تلاش می‌کنند آنها را حفظ کنند و ملت ما تمام دشواری‌هایی را که طی این سال‌ها از جمله در دوران جنگ تحمیلی به آنها تحمیل شد، تحمل کرده‌اند که این ناشی از پافشاری بر استقلال است. وی همچنین از آزادی به عنوان یکی دیگر از برکات نظام جمهوری اسلامی ایران یاد کرد و گفت: آزادی بزرگ‌ترین نعمت الهی است که خداوند به ما عطا کرده است و ما هم باید بکوشیم آن را حفظ کنیم چه در سطح رسانه‌ها و چه در سطح گفتارها و بیانات. باید کمک کنیم این آزادی گسترش پیدا کند. این عضو کابینه یازدهم همچنین گفت: خوشبختانه همه عناصر دولت تدبیر و امید و بنای این دولت همواره بر ارزش‌ها و آرمان‌های امام(ره) پافشاری کرده‌اند. هدف این دولت هم این است که راه امام(ره) را همچنان ادامه دهد و امیدوارم بتوانیم در این زمینه در صحنه‌های مختلف پایداری کنیم.

دیامز خواننده معروف و تازه مسلمان شده فرانسوی:

بدون حجاب، ایمان به خدا بی‌معناست

معصومه طاهری

«میلانی جورجیادیز»، با نام هنری «دیامز»، خواننده مشهور رپ فرانسوی است که پدری یونانی و مادری فرانسوی دارد. در چهار سالگی به‌همراه والدینش برای ادامه زندگی به پاریس رفت و در یکی از محله‌های فقیرنشین این شهر سکنی گزید. وی خوانندگی را از سال ۱۹۹۴ در گروه خوانندگی جوانان آغاز کرد و به دلیل استعداد زیادش توانست طی چند سال به شهرت برسد. «دیامز» دارای شخصیتی قوی و صدایی ویژه است. او چند وقت اخیر و به‌ویژه پس از شهرت یافتن، دچار مشکلات روحی، روانی و عاطفی بسیار زیادی شده بود و از آن به شدت رنج می‌برد همین امر موجب گوشه‌گیری و سکوت و انزوای او شده بود؛ به‌صورتی که حتی زمانی می‌خواست خودکشی کند. اما وقتی مسلمان شد چیزهای تازه‌ای در زندگی کشف کرد. اجازه بدهید تا با هم مصاحبه او را دنبال کنیم و از زبان خودش این ماجرا را بشنویم.

چرا سکوت خودتان را شکستید؟

پس از آن‌چه به اصطلاح «رسوایی» است و بیشتر به‌عنوان گذشته، پشت سر من بود یعنی تیمارستان، جنون، رسیدن به پوچی و نیستی، با مسلمان شدن دوباره متولد شدم. اسلام در من تغییرات زیادی ایجاد کرد، به‌خصوص این‌که من یک عمر به دنبال شهرت بودم و تلاش می‌کردم تا به این موقعیت برسم. به خودم گفتم بس کن! کمی برای پیشرفت بالغ شو! شاید یک روز کتابی در این‌باره بنویسم. من عاشق کلماتم، آنها من را به سمت رپ هدایت کردند و امروز من به آرامش رسیده‌ام. سرگذشت من تا حد زیادی مانند سایر هنرمندان است.

آخرین کنسرت شما در دسامبر ۲۰۱۰ بود. آیا این نوعی بازنشستگی از کارتان است؟

اگر از این طریق به زندگی بدون استرس برسم، بله. اگر از این طریق بتوانم مانند یک فرد عادی زندگی کنم و مانند دیگران در مسائل دیگر هم وارد شوم، بله. قبل از این، من به زمان فکر نمی‌کردم. گرداب زندگی دیامز ۲۰۰۰۰ ساعتی بود که پیش از این زندگی کرده بود، شور و شوقی نداشتم و هیچ چیز مانع نگرانی و اضطراب من نمی‌شد، نه پول، نه شکوه و نه زندگی مجلل و... همه اینها را به‌عنوان ضرورت زندگی در اختیار داشتم اما باز تنها بودم.

اسلام چه چیزی به شما داد؟

دین اسلام ساده‌تر و روشن‌تر از دینی است که در آن بزرگ شدم یعنی مسیحیت. در قرآن تاریخ پیامبران را می‌خوانم؛ انسان‌هایی که من از آنها تحمل، صبر و بخشش را یاد گرفتم. هدف من حتی اگر ساده به نظر برسد، این است که هر روز که از خواب بلند می‌شوم سعی کنم بهتر از دیروز باشم.

چه ارزش‌هایی در کودکی آموخته‌اید؟

بچه‌ها در خانواده هستند و من این آموزش‌هایی را که دارم از مادرم، پدربزرگ و مادربزرگم دریافت کرده‌ام. دوست داشتم اینها را ادامه بدهم حتی قبل از این‌که مذهبی شوم، اما وقتی موسیقی زندگی من را کاملاً پر کرد، مثل این بود که من در بیابان لم یزرع بودم و راه می‌رفتم، راه می‌رفتم، راه می‌رفتم تا به معنویت برسم و از آن به‌عنوان یک راه درمانی استفاده کنم.

شهرت شما از بین رفته اما آیا موسیقی رپ را کنار گذاشتید؟

من زندگی بدنامی را سپری نکرده‌ام. قبول دارم که خیلی از شادی‌هایم در تماس با مردم صورت گرفت اما صادقانه عمل می‌کردم، با این حال تلاشی که داشتم به‌نظرم برای به دست آوردن آزادی‌هایی بود که از دست داده بودم. من در ترانه‌هایم گریه می‌کردم. موسیقی رپ درمان من بود هر آنچه برایم اتفاق می‌افتاد را می‌نوشتم. به مدت ۱۰ سال دردم را روی کاغذ نوشتم که به صورت یک مجموعه درآمده است؛ در یک زمانی ناراحتی من فراتر از کلمات شد، آن وقت بیشتر از نوشتن تمایل داشتم تا یک ترانه خوب بگویم و مردم آن را لمس کنند. وقتی درمان من در کلینیک روانپزشکی تمام شده بود فرار کردم و به یک شخصیت پناه بردم؛ وقتی که در خانه‌ام تنها بودم از خودم می‌پرسیدم که می‌توانم کارهای خوبی انجام بدهم؟ آن زمان دیگر دیامز تنها نیست؟! ستاره بودن چه معنایی دارد؟ من در جایگاهی که بودم خیلی احساس گناه می‌کردم، خودم را خاص نمی‌دانستم.

در آن زمان، شما روی موسیقی متمرکز بودید و با انگیزه آن را دنبال می‌کردید آیا حالا ایمان را جایگزین آن کرده‌اید؟

هرگز نمی‌توانم اینها را با هم مقایسه کنم. امروز، من تنها برای خدا و عشق به او زندگی می‌کنم. دیگر احساس تنهایی و نگرانی ندارم. زندگی من معنا و مفهوم پیدا کرده است. یک واقعیت روزانه است که من هر روز پنج بار با عمق جان دعا می‌کنم (نماز می‌خوانم).

شما در کتابتان آورده‌اید که بابت داشتن حجاب از مردم خجالت نمی‌کشید؛ آیا فکر می‌کنید این دیدگاه شما با توجه به عکس‌هایی که از شما منتشر شده باعث شوکه شدن عده‌ای نمی‌شود؟

درک می‌کنم، اولش برای خود من هم تعجب‌آور بود. انتشار عکس‌هایم در پاریس بعد از مسلمان شدن بازی بسیار خشونت‌آمیزی بود. این من را اذیت می‌کند. آنها عکس‌های خصوصی من را به سرقت برده‌اند. قبل از این که تصاویرم منتشر شود، به خودم می‌گفتم که اگر یک روز بخواهم با پوشش حجاب در ملاءعام حاضر شوم، کم کم خواهد بود. منتظر یک فرصت بودم. کاری به زمان نداشتم فراتر رفته بودم چون من غرق شده بودم. در واقع درمن تحولی ایجاد شده بود که حاکی از اخلاق، مهربانی، محبت و صلح و در مقابل تعصب من و بدی‌های من بود. این کتاب هشداری بود که باید اعتراف کنم مسکنی در مقابل همه دروغ‌هایی بود که به من نسبت داده شد. نمی‌فهمم چگونه می‌توان از ایمان صحبت کرد ولی حجاب نداشت. این دو از هم جداناپذیر هستند.

چه دلیلی برای داشتن حجاب داری؟

هنگامی که شما کتاب من را می‌خوانید متوجه می‌شوید که این تنها دیدگاه من نیست. اجازه بدهید قبل از آن توضیحی بدهم. آیا زن چادری و محجبه یا کسی که به اسلام گرایش پیدا کرده استقلال فکری و عاطفی ندارد؟ در صورتی که حجاب به او شجاعت، شخصیت، صبر، اعتقاد راسخ و معنویت قوی می‌دهد. حجاب من رابطه با خداست. خودم به تنهایی تصمیم گرفته بودم باحجاب شوم. من با همه اعضا و جوارحم می‌دانم باید باحجاب باشم. هنگامی که در مکان‌های شلوغ به من خیره می‌شوند آسوده هستم، من با حجاب خودم را دریافتم.

> **دین اسلام ساده‌تر و روشن‌تر از دینی است که در آن بزرگ شدم یعنی مسیحیت. در قرآن تاریخ پیامبران را می‌خوانم؛ انسان‌هایی که من از آنها تحمل، صبر و بخشش را یاد گرفتم. هدف من حتی اگر ساده به نظر برسد، این است که هر روز که از خواب بلند می‌شوم سعی کنم بهتر از دیروز باشم**

حجاب شما بیشتر از ترانه‌هایی که در دفاع از زنان و شرایط زمان به شیوه مردانه می‌خواندید باعث تعجب شده است؛ آیا شما سخنگوی گروه فمینیست هستید؟

هرگز ادعایی نداشته‌ام و همیشه از این که نقش راهنما و لیدر را داشته باشم خودداری کرده‌ام. من به‌عنوان یک زن از زنان صحبت می‌کردم که در انتخابشان آزادی داشته باشند در این رابطه با شما موافقم و نظرم تغییر نکرده است. اما چرا مبارزه علیه ممنوعیت حجاب فمینیستی است؟!

شاید به این دلیل که زنان (فمینیست) برای پوشش شلوار جین و دامن کوتاه مبارزه کرده‌اند؟

من برای حجاب خودم مبارزه آرام می‌کنم، البته قبل از این هم آزاد بودم اما چرا نباید آزادی من بیشتر باشد و حجاب داشته باشم؟ کم کم فهمیدم که این مسئله باعث ناراحتی خیلی‌هاست.

کتاب شما تبلیغ دینی ندارد اما خودتان یک مصداق در کتاب هستید.

کلمه، تبلیغ چیزی نیست که من انتظار داشتم. هر کسی حق دارد از زندگی خودش بگوید که من خوشبخت هستم پس چرا آن را با دیگران به اشتراک نگذارد؟ وقتی که حجاب من به چشم می‌آید، مثل این است که روسری من، یک معضل در فرانسه شده است زیرا خیلی شنیده‌ام که می‌گویند این یک اقدام سیاسی و شورشی است.

منتقدان شما می‌گویند با وجود قانون حجاب در کشورهای اسلامی، زنان این کشورها آزادی ندارند.

من همیشه قائل به آزادی بوده‌ام. اما مسئول آنچه در کشور افغانستان یا هرجای دیگری اتفاق می‌افتد نیستم. من می‌توانم از حجاب در فرانسه صحبت کنم، زیرا در فرانسه زندگی می‌کنم. احساس عدم تمایل به حرف زدن در این‌باره هم ندارم، به‌خاطر این که این مسئولیت سنگینی است. خیلی‌ها درباره حجاب نمی‌دانند و من نمی‌توانم به همه سؤالات آنها پاسخ بدهم ولی نسبت به حجابم پایبند هستم.

در مورد دختر کوچکتان به ما بگویید.

من زمانی این کتاب را نوشتم که انتظار تولد دخترم «مریم» را می‌کشیدم. هنگامی که او به دنیا آمد معنای واقعی قدرت عشق را حس کردم و اینکه چه شادی‌ای زنان با زایمان به دست می‌آورند؛ این که به یاد داشته باشیم از کجا آمده‌ایم و روی این مسئله فکر کنیم.

امروز شما در آرامش هستید؛ آیا برنامه‌ای برای ادامه کار ندارید؟

ترجیح می‌دهم درمورد آینده به موسیقی رپ فکر نکنم. نیازی به موسیقی احساس نمی‌کنم چیز دیگری به زندگی من آرامش داده است. خانواده‌ام را دارم. می‌خواهم به آموزش بپردازم و به کودکان یتیم در آفریقا کمک کنم. بعد از آن نوشتن را دوست دارم. قبل از این زندگی من مثل یک ماراتن بود، دیگر از آن خسته شده‌ام.

منبع: اکسپرس

فراخوان جمعیت حامیان آزادی قدس برای چاپ یک کتاب

جمعیت حامیان آزادی قدس برای مشارکت در انتشار ترجمه فارسی کتابی با عنوان «کی لا نَنسی» درباره فلسطین، فراخوان داد. به گزارش خبرگزاری مهر، جمعیت حامیان آزادی قدس شریف قصد دارد کتاب «کی لا نَنسی» با عنوان فارسی «تا فراموش نکنیم» و عنوان انگلیسی «ALLTHAT REMAINS» را چاپ و منتشر کند. این کتاب توسط یک گروه نویسنده و پژوهشگر، با نظارت ولیدالخالدی نویسنده و پژوهشگر فلسطینی، آماده و توسط مؤسسه الدّراسات الفلسطینیه به زبان‌های عربی و انگلیسی چاپ و منتشر شده است. این کتاب درباره ماجرای اشغال سرزمین فلسطین است که قرار است به همت جمعیت حامیان آزادی قدس شریف، در کشورمان به زبان فارسی چاپ شود. در این مجموعه رویدادهای مربوط به چگونگی اشغال و تخریب ۴۱۸ روستای فلسطینی و نیز کشتار، اخراج و آوارگی صدها هزار نفر بی‌دفاع به طور مستند بررسی شده است. با توجه به نامگذاری سال ۲۰۱۴ میلادی به عنوان سال همبستگی با ملّت فلسطین، این کتاب تا آخر پاییز ۱۳۹۳ شمسی چاپ و منتشر خواهد شد.

رضا داد: از اظهارات حاشیه‌ساز افتتاحیه فجر خشنود نیستیم

دبیر سی و دومین جشنواره فیلم فجر اظهارنظرهای حاشیه‌ساز دو سینماگر در مراسم افتتاحیه را بدون هیچ هماهنگی با جریان رسمی جشنواره و سازمان سینمایی دانست و گفت: ما به هیچ فردی هیچ سفارشی یا توصیه‌ای برای این امر ندادیم و از طرح مطالبی این چنین خشنود هم نیستیم.

علیرضا رضاداد درباره نام بردن از برخی بازیگران دوران پهلوی در مراسم افتتاحیه فجر گفت: اظهارنظر برخی افراد در مراسم افتتاحیه جشنواره به هیچ عنوان موضع سازمان سینمایی یا دبیرخانه جشنواره فیلم فجر نیست.

وی حرف‌های مطرح در مراسم افتتاحیه را موضع سازمان سینمایی و جشنواره فیلم فجر ندانست و گفت: همانطور که حجت‌الله ایوبی بعد از پایان مراسم افتتاحیه سی‌ودومین جشنواره فیلم فجر در برنامه تلویزیونی «هفت» گفت، آنچه در آئین افتتاحیه روی صحنه تالار وحدت مطرح شد به هیچ عنوان موضع سازمان سینمایی نیست.

سی‌مرغ با دو مرغ اضافه!

آویزان شدن از امید در کابوسی خفن‌تر از کریسمس تیم برتون

عباس کریمی عباسی

امید چیز خیلی خوبیه به خصوص اینکه ته یه فیلم سینمایی جذاب باشه توی یه روز دلگیر که آدم پناه برده به تاریکی سینما و توی کورسوی خلوتش دنبال لحظه‌هایی برای فراموشی می‌گرده تا به آینده دل خوش کنه و امیدوار به سوی فردا بره. حالا فکر کنید که توی یه روزی که قراره خوب باشه و پر از انرژی به طوری که فکر می‌کنید هیچی نمیتونه خرابش کنه، قضیه عکس بشه یعنی شما پنج تا فیلم پشت هم ببینید که «از گل بهتر غضنفر» باشند!

این میشه که اولین روز از جشنواره فیلم فجر با پس زمینه‌ای از اختلالات ذهنی روانی باقی می‌مونه و روز دوم دیگه اون انگیزه قبلی نیست برای دیدن فیلم‌ها به ویژه اینکه اینترنت کاخ جشنواره هم ویژه کوخ‌نشین‌ها باشه و راه به راه قطع و وصل بشه و باشه روی اعصاب ما اهالی رسانه که در کنار فیلم دیدن کلی دنگ و فنگ اطلاع‌رسانی هم داریم. به همه اینها اضافه کنید شام شب قبل رو که ترکیبی از سیب زمینی و خیارشور هوایی بود و تا صبح اونقدر توی معده مون مثل توپ فوتبال این ور و اونور رفت که کابوس پیش از کریسمس تیم برتون جلوی خواب‌های آشفته‌مون لنگ انداخت!

فیلم‌های تا اینجای جشنواره با مضامین مشابه و به ویژه تلخی که داشتند ما رو مجبور کردند تا «تدبیر» کنیم و به سینمای ایران «امید» داشته باشیم و برای همین ضرب‌المثل «سالی که نکوست از بهارش پیداست» رو کامل فراموش کردیم و چسبیدیم به «شاهنامه آخرش خوشه». دیگه نپرسید کجاش خوشه؟ چون جوابی برای اون نداریم. یه نکته امیدوارکننده دیگه‌ای که دیروز اتفاق افتاد آمادگی کارت‌های از لیست افتاده بود که سیاهه‌ای طویل الطومار ۱۰ از اهالی رسانه در اون‌ها به چشم می‌خورد و بالاخره پشت در ماندگان امیدوار تونستند با ابزار امید به دسترنج خود برسند و کارت‌هاشون رو دریافت کنند. البته این وصل پس از هجرانی اندوهناک و بعد از هروله در سعی و صفایی بسیار بین ستاد جشنواره و کاخ جشنواره توسط آرزو به دل ماندگان کارت ندیده!! به منصه حضور رسید. یکی از مدیران محترم هم با شوخ طبعی این مهم از اهمیت افتاده رو طور دیگه‌ای تعبیر کرد و پس از چندین ساعت ناپدیدی بر خلق الله ظاهر شد و فرمود که «از روی نقشه بین کاخ جشنواره تا ستاد جشنواره یک سانتی بیشتر فاصله نیست و این آه و ناله‌ها برآمده از آشیانه سیمرغ ناز و ادا و عشوه است برای شکار کردن دل ما بی‌که بدانند دل ما شکار شده و رفته پی کارش مدت‌های مدید است از آن وقت تاکنون!!»

از اینها که بگذریم به تأخیر در نمایش فیلم سئانس چهارم دیروز می‌رسیم که پس از ساعتی با قدم رنجه افتخار دیدن به خود داد و کارگردان آن پس از چسباندن فیلم خود به فیلم‌های رخشان بنی‌اعتماد و هومن سیدی از نمایش فیلم اتالونژ نشده خود با افتخار گفت و هیچ فکر نکرد به چشم‌های ننه مرده مدعوین و مجبورین در کاخ جشنواره که پیش از آن سه فیلم را دیده بودند و پس از آن یکی دیگر را نیز باید می‌دیدند. یکی از جالب‌ترین بخش‌های جشنواره حل معماهای ویژه‌ای است که فیلمسازان در فیلم‌ها مطرح می‌کنند و از پانصد نوع پایانبندی باز برای فیلم گرفته تا پیدا کنید پرتقال فروش را به صورت بسته در فیلم‌هایشان دیده می‌شود. منتها معماهای دیگری هم مطرح می‌شود که عقل جن هم از حل آنها باز می‌ماند و نمونه آن اظهارات رئیس قبلی سازمان سینمایی و رئیس جدید اونه که اولی میگه دعوت نشده به جشنواره امسال و دومی میگه دعوت شده و نیومده. طرفدارهای هر کدوم هم بیل و تبرکشی کردن که آقای ما راست میگه و آقای شما ناراست میگه و از این حرف‌ها. هر کدوم هم اونقدر با جدیت میگن که راست و ناراست و از کج و ناکج نمیشه تشخیص داد و البته با توجه به فراموش شدن صدور برخی کارت‌ها و سرویس ایاب و ذهاب تو روز اول و باقی قضایا بعید نیست این هم فراموش شده باشه که الله اعلم...

جای خالی صنعت گیم ایران در برنامه‌های صداوسیما

تولیدکننده بازی رایانه‌ای «ارتش‌های فرازمینی» با یادآوری اینکه صداوسیما می‌تواند در معرفی محصولات داخلی، صنعت گیم را مورد حمایت قرار دهد، گفت: جای خالی بازی‌های رایانه‌ای در برنامه‌های این رسانه مشاهده می‌شود. به گزارش «جوان»، «آریا اسرافیلیان» گفت: از سال ۹۰ روند تولید بازی «ارتش‌های فرازمینی» توسط تیم ایرانی آغاز شد و خوشبختانه توانست موفقیت‌های بسیاری را در جهان کسب کند. وی افزود: تبلیغات مناسبی برای بازی‌های داخلی صورت نمی‌گیرد.